



مرکز بین‌المللی و مدرسه  
باهرالولوم

به نام خدا

امتحان درس : **فارسی**

نام و نام خانوادگی :

کد : ۲۰۱-۹۶۱۰۱۱

وقت امتحان : **۶۰**

رشته : **انسانی**

کلاس : **دهم**

دانش آموز عزیز شما می توانید پاسخنامه امتحان را دو ساعت پس از پایان امتحان در پورتال مدرسه مشاهده نمایید.

[www.bagheralolum.sch.ir](http://www.bagheralolum.sch.ir)

معنای واژه (۱/۵)

در هر جمله، فقط معنای واژه‌ای را که خط‌کشی شده است، مشخص کنید.

۱- گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد.

۲- همه کس را به سزا حق شناس باش، خاصه قرابت خویش را.

۳- رقعه نوشتیم و عذر خواستیم.

املاي واژه (۱/۵)

در هر سؤال، املاي یک واژه نادرست است. آن را بیابید و اصلاح کنید.

۴- خاست کزان ورطه قدم درکشد، خویشتن از حادثه برتر کشد

۵- هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستقنی باشد و اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد.

۶- شیطنت شاگرد گل کرد و معلم که از مخمسه رسته بود به خون سردی گفت: "در علف است. حیوان باید بچرد."

دستور (۴ نمره)

۷- در جمله "صاد هرگز جانوری از پهلو نکشید." نقش دستوری واژه مشخص شده چیست؟

۸- یک مثال برای "واو نشانه ربط یا پیوند" بنویسید.

۹- "سماور نفتی" ترکیب وصفی است یا اضافی؟

۱۰- از مصدر "اندیشیدن" بن ماضی و بن مضارع بسازید.

۱۱- در مصراع "گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید." نقش دستوری واژه مشخص شده چیست؟

۱۲- در مصراع "ای بی‌نشان محض نشان از که جویمت." پرش یا جهش ضمیر را بررسی کنید.

۱۳- یک ترکیب اضافی طراحی کنید که حرف اول مضاف "ب" و حرف اول مضاف‌الیه "ش" باشد.

۱۴- در بیت "چشمه کوچک چو به آن جا رسید، وان همه هنگامه دریا بدید" کدام واژه مفعول است؟

آرایه‌های ادبی (۳ نمره)

در هر نمونه، با توجه به کلمات مشخص شده، نام آرایه مرتبط را بنویسید.

۱۵- لیک چنان خیره و خاموش ماند، کز همه شیرین‌سخنی گوش مان

۱۶- مثل قرآن مثل آب است روان.

۱۷- در مقابله زشتی آشتی کرد و در مقابله لثیمی، کریمی کرد.

۱۸- گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید، گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید

۱۹- خسرو با همان آهنگ گیرا و حرکات سر و دست و اشارت‌های چشم و ابرو شروع به خواندن کرد.

۲۰- بلندی از آن یافت کو پست شد، در نیستی کوفت تا هست شد

حفظ شعر (۲ نمره)

مصراع‌های خواسته‌شده را تکمیل کنید.

۲۱- تا عهد تو در بستم عهد همه بشکستم .....

۲۲- تا ..... کوتاه‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها

۲۳- گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید .....

۲۴- گویند ..... می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها

درک مطلب (۴ نمره)

با توجه به هر متن، به سؤالات مطرح‌شده پاسخ دهید.

"خجسته باد نام خداوند، نیکوترین آفریدگاران، که تو را آفرید، از تو در شگفت هم نمی‌توانم بود، که دیدن بزرگی‌ات را، چشم کوچک من بسنده نیست. مور چه می‌داند که بر دیواره اهرام می‌گذرد یا بر خشتی خام، تو آن بلندترین هرمی که فرعون تخیل می‌تواند ساخت، و من کوچک‌ترین مور، که بلندای تو را در چشم نمی‌تواند داشت."

۲۵- "تو" به چه کسی اشاره دارد؟

۲۶- ویژگی اصلی مخاطب از نظر شاعر چیست؟

۲۷- چند عبارت نخست شعر به چه عبارتی تلمیح دارد؟

۲۸- "چه می‌داند" به صورت "می‌داند" ترجمه می‌شود یا "نمی‌داند"؟

"خورجینکی بود که در آن کتاب می‌نهادم. بفروختم و از بهای آن درمکی چند سیاه در کاغذی کردم که به گرمابه‌بان دهم تا باشد که ما را دمکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنیم. چون آن درمک‌ها پیش او نهادم، در ما نگریست. پنداشت که ما دیوانه‌ایم. گفت بروید که هم‌اکنون مردم از گرمابه بیرون می‌آیند."

۲۹- دو کلمه را مشخص کنید که در آن از "ک تصغیر" استفاده شده است.

۳۰- مقصود از "شوخی از خود باز کنیم." چیست؟

۳۱- آیا حمای به ناصر خسرو اجازه ورود به گرمابه را می‌دهد؟

۳۲- ناصر خسرو پول گرمابه را چگونه تهیه کرد؟

معنی و مفهوم نثر (۲ نمره)

جملات زیر را به نثر روان و امروزی برگردانید.

۳۳- پیران قبیله خویش را حرمت دار ولیکن به ایشان موعع مباش.

۳۴- ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد

۳۵- دست معلم از وقت حیوان روان شد و لب را به اشاره صورت داد

۳۶- هر چه بر او تنگ گرفتند، کمربند خود را تنگ تر بست.

معنی و مفهوم نظم (۲ نمره)

ابیات زیر را به نثر روان و امروزی برگردانید.

۳۷- ابر ز من حامل سرمایه شد، باغ ز من صاحب پیرایه شد

۳۸- گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد، گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

۳۹- از آن دهان که هرای شیر می‌خروشید، کلمات کودکانه تراوید.

۴۰- شعر سپید من روسیاه ماند، که در فضای تو به بی‌وزنی افتاد.

معنای واژه (۱/۵)

در هر جمله، فقط معنای واژه‌ای را که خط‌کشی شده است، مشخص کنید.

عربی هم انسان

- ۱- گفتم زمان عشرت دیدی که چون برآمد. **خوش گذرانی**
- ۲- همه کس را به سزا حوشناس باش. **خوشی و خوشامروزی، نزدیکی**
- ۳- ز لعه نوشتم و عذر خواستم. **نامه**

املای واژه (۱/۵)

در هر سؤال، املای یک واژه نادرست است. آن را بیابید و اصلاح کنید.

- ۴- خاست گزان ورطه قدم درگشدد. **خویشتن از حادثه برتر کشد خولف**
- ۵- هر که داد از خویشتن بدهد. از داور مستقنی باشد و اگر غم و شادیت بود. به آن کس گوی که او لیمار غم و شادی تو دارد. **مستقنی**
- ۶- شیطنت شاگرد گل کرد و معلم که از مخمسه رسته بود به خون سردی گفت: "در علف است. حیوان باید بچرد." **مخصم**

دستور (۴ نمره)

- ۷- در جمله "ساز هرگز جانوری از پهلوی نکشید." نقش دستوری واژه مشخص شده چیست؟ **مصدر**
- ۸- یک مثال برای "واو نشانه ربط یا پیوند" بنویسید. **حرکت کردیم و به سیب مله تیس رفتیم**
- ۹- "سماور نقی" ترکیب وصلی است یا اضافی؟ **وصلی**
- ۱۰- از مصدر "اندیشیدن" بن ماضی و بن مضارع بسازید. **بن ماضی: اندیشید، بن مضارع: اندیش**
- ۱۱- در مصراع "گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید." نقش دستوری واژه مشخص شده چیست؟ **فعل**
- ۱۲- در مصراع "ای بی‌نشان محض نشان از که جویت." پرش یا جهش ضمیر را بررسی کنید. **فشان حوازه شویم (صفات البدن)**
- ۱۳- یک ترکیب اضافی طراحی کنید که حرف اول مضاف "ب" و حرف اول مضاف‌الیه "ش" باشد. **دام شتر، باران شمال**
- ۱۴- در بیت "چشمه کوچک چو به آن جا رسید، وان همه هنگامه دریا بدید" کدام واژه مفعول است؟ **هنگامه**

آرایه‌های ادبی (۳ نمره)

در هر نمونه، یا توجه به کلمات مشخص شده، نام آرایه مرتبط را بنویسید.

- ۱۵- لیک چنان خیره و خاموش ماند. کز همه شیرین‌سخنی گوش ماند **خشی آمیزی**
- ۱۶- تتل قرآن تتل آب است روان. **تلمسیب**
- ۱۷- در مقابله زشتی آشتی کرد و در مقابله تنیمی. **کریبی** کرد. **سبج**
- ۱۸- گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید. گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید **ایهام**

- ۱۹- خسرو با همان آهنگ گمرا و حرکات سیر و دست و اشارت‌های چشم و ایرو شروع به خواندن کرد. مراعات نظیر (ناسب)  
 ۲۰- بلندی از آن یافت کو پست شد، در یستی کوفت تا هست شد تصار

حفظ شعر (۲ نمره)

مصراع‌های خواسته‌شده را تکمیل کنید.

- ۲۱- تا عهد تو درستم عهد همه بشکستم دخوار خور و دایمده خصی همه بیان‌ها  
 ۲۲- تا خر غم عسف او شسته در جل گونه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها  
 ۲۳- گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید چون عسوی خرم باشد بصل است نظایان‌ها  
 ۲۴- گویند گوشت نظری چشمین سفر می گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها  
عسوی

درک مطلب (۴ نمره)

با توجه به هر متن، به سوالات مطرح‌شده پاسخ دهید.

"خجسته باد نام خدانود، نیکوترین آفریدگاران، که تو را آفرید، از تو در شکفت هم نمی‌توانم بود، که دیدن بزرگی‌ات را، چشم کوچک من بسنده نیست، مور چه می‌داند که بر دیواره اهرام می‌گذرد یا بر خشتی خام، تو آن بلندترین هرمی که فرعون لقبیل می‌تواند ساخت، و من کوچک‌ترین مور، که بلندای تو را در چشم نمی‌تواند داشت."

- ۲۵- "تو" به چه کسی اشاره دارد؟ اما علی (ع)  
 ۲۶- ویژگی اصلی مخاطب از نظر شاعر چیست؟ عظمت، بزرگی، غرور و ابل و صفت بودن  
 ۲۷- چند عبارت نخست شعر به چه عبارتی تلمیح دارد؟ ستارک الله احسن الخالقین  
 ۲۸- "چه می‌داند" به صورت "می‌داند" ترجمه می‌شود یا "نمی‌داند"؟ نمی‌داند

"خورجینگی بود که در آن کتاب می‌نهادم، بفروختم و از بهای آن درمگی چند سیاه در کاغذی کردم که به گرمابه‌بان دهم تا باشد که ما را دمیکی زیادت‌تر در گرمابه بگذارد که شوخ از خود باز کنیم، چون آن درمک‌ها پیش او نهادم، در ما نگریست، پنداشت که ما دیوانه‌ایم، گلت بروید که هم‌کثون مردم از گرمابه بیرون می‌آیند."

- ۲۹- دو کلمه را مشخص کنید که در آن از "ک تصغیر" استفاده شده است. خورجینک - درمک  
 ۳۰- مقصود از "شوخ از خود باز کنیم" چیست؟ شیرک و الودگی را بشوئیم  
 ۳۱- آیا حمامی به ناصر خسرو اجازه ورود به گرمابه را می‌دهد؟ خیر  
 ۳۲- ناصر خسرو پول گرمابه را چگونه تهیه کرد؟ با فروش کتیه و خورجین خود

معنی و مفهوم نثر (۲ نمره)

جملات زیر را به نثر روان و امروزی برگردانید.

- ۳۳- پیران قبیله خویش را حرمت دار ولیکن به ایشان مولع مباش.
- ۳۴- ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد.
- ۳۵- دست معلم از وقت حیوان روان شد و لب را به اشاره صورت داد.
- ۳۶- هر چه بر او تنگ گرفتند، گمریند خود را تنگ‌تر بست.

معنی و مفهوم نظم (۲ نمره)

ابیات زیر را به نثر روان و امروزی برگردانید.

- ۳۷- ابر ز من حامل سرمایه شد، باغ ز من صاحب پیرایه شد.
- ۳۸- گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد، گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید.
- ۳۹- از آن دهان که هزای شیر می خروشد، کلمات کودکانه تراوید.
- ۴۰- شعر سبید من روسیاه ماند، که در فضای تو به بی‌وزنی افتاد.

۱۸۵۰۰

۳۳- به پیران و بزرگان تم خود احترام بگذار ولی مستلق و خروصی نباش.

۳۴- ما را با هدیه و نیکوکاری به نسبت دریا غرورساز (ببرقه کرد).

۳۵- دست معلم از گودی (چشم) اسب حرکت کرد و لب را با یک حرکت و سریع گسید.

۳۶- هر چه روزگار سخت شد او نیز خود را آماده تر در قوی تر کرد.

۳۷- باران ابر از من است و زیبایی و زیبایج نیز به خاطر من (چشم) است.

۳۸- اسیر و عطر خوش زلفت یار مرا مستقیمه کرد و یار زلفت همین عشق نکات بخش دوست.

۳۹- همان کسی که عزیز من شعر داشت با گردگان با محبت و نرمی سخن می گفت.

۴۰- شعر سبید (عالم سبید، روسید) من نمرینده شد زیرا در برابر قوی اعتبار و بی مقدار است.